

## آنتون بروکنر

## و سنفونی هفتم وی

بدون شك آنتون بروکنر (۱۸۹۶-۱۸۲۴) جزء نوابغ موسیقی بشمار  
 می‌رود و يك نظر کوتاه به زندگی وی این موضوع را روشن می‌سازد. بروکنر انسان  
 ساده و محجوبی بود. در يك خانواده دهاتی بدنیا آمد و قرار بود که شغل پدر را که  
 آموزگاری بود ادامه دهد. اما مرک زودرس پدر سبب شد که وی در يك گروه کر  
 در صومعه‌ای نزدیک مشغول کار شود و از همین جا بود که وی با موسیقی آشنا شد و در ضمن  
 معتقدات دینی شدیدی در نهاد وی ریشه روانید. بعد از آن در سن جوانی با وجود يک  
 مدتی معلم شده بود باز دلش در هوای موسیقی پر میزد و آرزو داشت تحصیلات خود  
 را در این رشته که تا آن زمان خیلی سطحی و نامرتب بود سر و صورتی بخشد. درسی  
 و پنج سالگی تصمیم گرفت نزد «سیمون سختر»<sup>۱</sup> معلم معروف وینی به تحصیل  
 بپردازد. «سختر» مرد بسیار دقیق و سخت‌گیری بود که حضور در چند جلسه کلاس او  
 کافی بود تا شاگردان کم‌علاقه را از موسیقی بیزار سازد و در عظمت مقام بروکنر همین  
 بس که وی با وجود سن زیاد مدت پنج سال نزد سختر تلمذ کرد و بقدری از خود فعالیت  
 نشان داد که حتی سختر نیز گاهی مانع از سخت‌کوشی وی می‌گردید. بالاخره پس از

طی این مدت و موفق شدن در امتحان ، در سن چهل سالگی تازه خود را لایق کلمه آهنگساز یافت و تصمیم به تصنیف موسیقی گرفت . البته وی تا آن زمان آثار زیادی برای موسیقی مذهبی نوشته بود اما هیچکدام فرم خاصی نداشت و آثار درخشانی نبود .

از طرف دیگر در آن زمان بازار مشاجرات بین طرفداران واکنر و برامس سخت گرم بود . چون در دسته و اکتر حتی يك موسیقیدان سنفونیست وجود نداشت لذا وقتی بروکنر سنفونی سوم خود را به واکنر اهدا نمود، واکنری ها او را جزء دسته خود قلمداد کردند . این موضوع برای بروکنر هم دارای نفع و هم واجد ضرر بود . فایده اش این بود که وی معروف شد و در ضمن استادی کرسی تئوری و آرمونی در دانشگاه وین که بعلت مرگه سختر خالی مانده بود بدو واگذار گردید . اما در عوض بعلت مخالفت طرفداران برامس کسی جرئت نمیکرد آثار وی را اجرا کند و باین جهت بروکنر شخصاً بسیاری از آثار خویش را اصلاً نشنید و نتوانست از ایسن راه تجربیاتی کسب کرده و هنر ارکستراسیون خود را که در مراحل ابتدائی بود توسعه بخشد .

بطور خلاصه باید گفت که بروکنر کاتولیک بسیار متعصب و ساده دلی بود که سعی میکرد افکار معصومانۀ خود را توسط موسیقی بیان کند . سایر موسیقی دانان ممکن است آثاری بوجود آورند که پیروز زمان نقائص آنها آشکار شده و از رپرتوار خارج گردد اما هنر بروکنر بقدری ساده و معصومانه است که در همان نظر اول نقائص آن آشکار میشود و گذشت زمان قادر نیست چیزی بر آن بیفزاید لذا آثار وی با مرور ایام نه تنها کهنه نمیکرد بلکه روز بروز عظمت آنها آشکارتر خواهد شد .

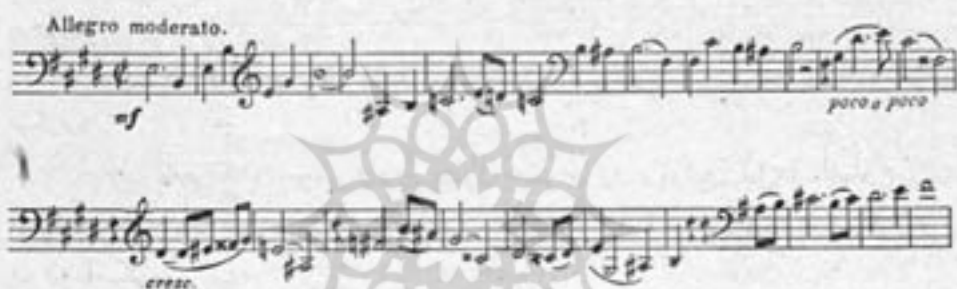
بروکنر علاوه بر تصنیف تعداد زیادی آثار مذهبی نظیر «تۀ دوم» ۱ و مس و بسویقی در آوردن تعدادی از مزامیر داود دارای نه سنفونی میباشد که نهمی در اثر مرگه آهنگساز ناتمام مانده است . هنگامیکه بروکنر تصمیم به تصنیف سنفونی گرفت طرح سنفونی پنجم بنام «تۀ پنجم» بعنوان نمونه ای جاودانی برای بیان هنر ملهم و خلاقۀ خویش برگزید . سنفونی های وی همگی دارای فرمی مشخص است و فقط از از حیث عمق بیان باهم تفاوت دارد زیرا که با فزونی سن و تجربیات بروکنر آثار وی عمیق تر و انسانی تر شده است .

موسیقی بروکنر بسیار ساده بوده و با اصطلاح معروف از قلب برآمده و بر قلب می نشیند . ارکستراسیون ساده و اوج های عظیم باین موسیقی شکوه و جلالت می بخشد که واقعا در حد خود بی نظیر است .

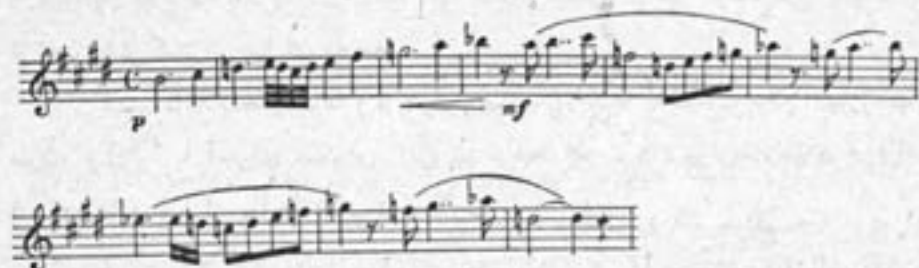
در میان سنفونی های بروکنر سنفونی های چهارم، پنجم، ششم و هفتم به هم وابسته اند زیرا همگی در تونالیتۀ ماژور بوده و در آنها از یک تم بصورت مختلف بعنوان تم اصلی استفاده شده است و از نظر حالت و نحوه بیان نیز بهم شباهت زیاد دارند. حال با ذکر این مقدمه تفسیر مختصری از سنفونی هفتم بروکنر در زیر از لحاظ خوانندگان خواهد گذشت:

## موومان اول:

مطابق معمول کارهای بروکنر، موومان اول سنفونی با ترمولاندوی سازهای زهی آغاز میگردد. پس از دو میزان در زمینه همان ترمولاندو موضوع اول ابتدا توسط هورن ها و ویولن سل ها و چند میزان بعد توسط ویولاها و ویولن سل ها بازگو میشود:

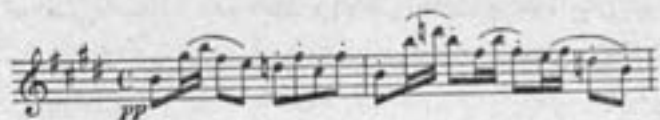


این تم شاعرانه شبی در خواب به بروکنر الهام شد و وی در عالم رؤیا چنین حس کرد که توسط یک ویولا برای وی نواخته میشود. این تم بر روی هم، بیست و یک میزان است و یکبار دیگر تکرار میگردد. آریزی که در آن بکار رفته در قسمت بسط با عظمت و درخشندگی پرشکوهی توسعه مییابد. بعد از یک اوج بزرگ و غرش آسا موضوع دوم بطور آرام در سبب ماژور آغاز میشود:



این تم که ابتدا توسط ابوا اجرا میشود دوباره توسط سازهای بازی برنجی و بالاخره توسط کلارینت و ویولون ها با تزئینات بیشتری اجرا شده و در پایان روی

يك پدال فاديز ، وپولون ها آن را بطور معكوس بگوش ميرسانند . قسمت آخر اين تم بتدریج سریع شده و منتهی به قطعه خانمۀ قسمت اعلام تمها میگردد:



این تم که باز بطور نسبتاً آرامی اجرا میشود خیلی پراحساس است و سازهای بادی چوبی کنتربون‌های غنی و زیبایی به آن میافزایند. موسیقی بتدریج اوج می‌گیرد و انتهای آن غرشی از سازهای بادی برنجی است که ناکهان بخاموشی میگرايد و باین ترتیب قسمت اعلام تمها بیابان میرسد.

آنچه که در بخش گسترش (دولوپمان) اجرا میشود بطور خلاصه اینست:  
 ۱ - آرپژ موضوع اول تا میزان هفتم که بطور معكوس توسط کلارینت اجرا میشود.

۲ - يك قطعه واسطه (انترلود) مشتق از تم سوم. این قسمت دوباره تکرار میگردد.

۳ - ظاهر شدن موضوع دوم بطور معكوس در وپولون سلها. چهار میزان اولیه این تم ابتدا بطور سؤال و جواب چندین بار اجرا میشود و بعد با قسمت آخر، تم تمام میگردد.

۴ - اجرای تم سوم توسط فلوت در حالیکه باسها معكوس آنرا در زمینه مینوازند.

۵ - ظهور ناکهانی و غرش آسای موضوع اول بطور استر توتی سه گانه توسط سازهای بادی چوبی و هورن و بالاخره ترومبونها و باسها.

۶ - غرش مزبور خاموش شده و موضوع اول در فرم اصلی توسط کلارینتها و وپولون دومها بطور استرنو با ابوا شنیده میشود و کمی توسعه می یابد و باین ترتیب بخش گسترش بیابان میرسد.

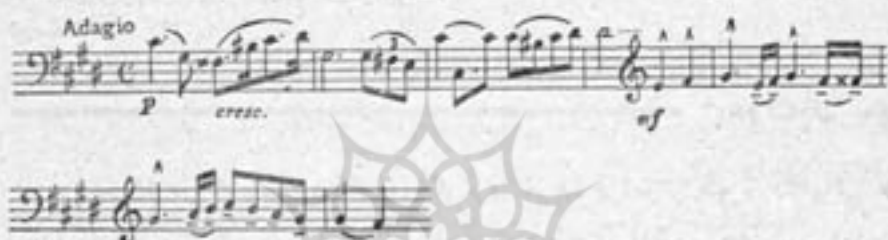
قسمت اعلام مجدد تمها (رکابیتولاسیون)، شبیه به قسمت اعلام آنها است اما موضوع اول با اجرای معكوس این تم توسط فلوت و وپولن در بالای فرم اصلی (هورن‌ها و وپولن سلها) غنی تر میگردد.

قسمت آخر (کودا) این قسمت بنحو باشکوهی با محتوی میزانهای دوازدهم و سیزدهم موضوع اول شروع میشود و بایک اوج درخشان و موقرانه ایسن موومان عظیم را به پایان میرساند.

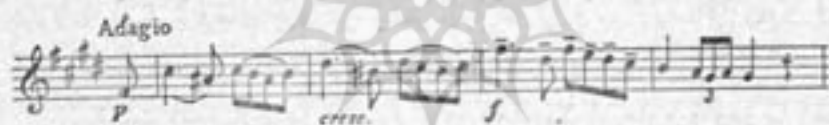
## موومان دوم :

این موومان یکی از تفریحی ترین و شاعرانه ترین آثار موسیقی کلاسیک بشمار میرود و همین موومان بود که راه را برای اجرای آثار بروکنر در سایر کشورها باز کرد. در این قسمت بروکنر برای بار اول از چهار «توبا»ی واکنری استفاده کرده است. هنگامیکه وی بر سر تصنیف این بخش کار میکرد خبر مرگ واکنر به وی رسید و کودای این موومان در واقع مرثیه ای است که بروکنر بیاد استاد ودوست بزرگش سروده است.

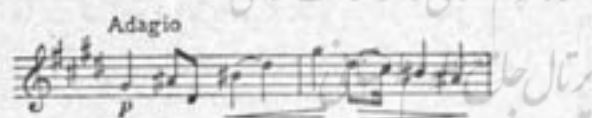
ابتدا یک کوارتت توبا و سازهای زهی بم، تم اصلی را که بنظر عده زیادی از ناقدان زاده اوج خلاقیت هنری بروکنر میباشد در تونالیتۀ دو دیز مینور اعلام میکنند :



بعد سازهای زهی بکار خود ادامه داده و تم دوم را اعلام میدارند:

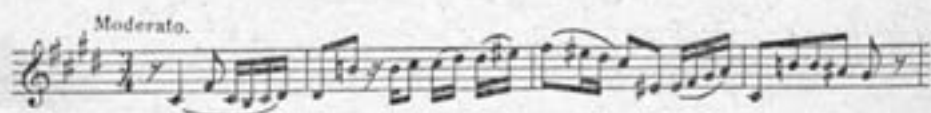


که منتهی به تم سوم میگردد: *پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*



باین ترتیب قسمت اصلی این روندو که یک الژی فوق العاده زیبا میباشد بیابان میرسد.

مانند موومان آهسته سنفونی نهم بتهوون، اپیزود میانی این موومان در سه چهارم بوده و حرکت سریعتری دارد. این قسمت در تونالیتۀ فا دیز ماژور میباشد:



این ایزود با حالت تسلی بخش خود که در برابر حالت غم انگیز قسمت اول اول قرار داده شده مدتی ادامه مییابد. آنگاه قسمت اصلی روندو از سر گرفته میشود و این بار با سکانس های متوالی چون امواج دریا در جریان يك مد ، بتدریج بالا رفته و به اوجی عظیم میرسد. در این جا تم دوم و سوم خلاصه شده اند. آنگاه ایزود میانی در تونالیت لایبل مازور رجعت نموده و راه را برای ورود قسمت اصلی روندو باز میکند. برای بارسوم که قسمت اصلی بر میگردد شکوه و جلال آن افزونتر شده و بایک کرشندوی عظیم - که قلم از شرح زیبایی و عظمت آن عاجز است - منتهی به - يك حالت پیروزی در تونالیت دو مازور میگردد . شکوه و جلال این قسمت بتدریج با حالت محزون ناپدید میشود. دو مازور به ربمل مازور تبدیل میگردد و قسمت مؤخره آغاز میشود . در این قسمت که بیاد بود مرک و اکثر سروده شده تم اصلی روندو بشکل غم انگیزی بسط مییابد و بالاخره موومان با يك کورد دو دیز مازور پایان میرسد.

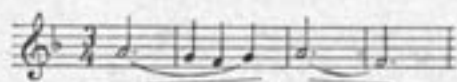
### موومان سوم :

پس از مرک پتهون، فرم اسکر تزو تقریباً فراموش شد و مثالهایی از این فرم را ما فقط میتوانیم در سنفونی نهم شو برت و چند اثر از شوپن پیدا کنیم. اما برو کتر بآردیگر تصمیم به احیای مجدد این فرم گرفت . ولی باید متذکر شد که برخلاف پتهون، اسکر تزوهای برو کتر بیشتر جنبه تفزلی و نیز روستایی دارد. این موومان به فرم عادی سه بخشی اسکر تزو ، تریو ، اسکر تزو مییابد.

قسمت اسکر تزو در لامینور بوده و مشحون از ملودیهایی زیبا است و قدرت تحرك آن بقدری زیاد است که با طول این قسمت کاملاً مناسب مییابد. ابتدا ترومپت ها تم اصلی را اجرا میکنند و پس از چهار میزان و بولون ها آنرا ادامه میدهند . این دنباله تم را برو کتر از آوای خروس اقتباس کرده است :



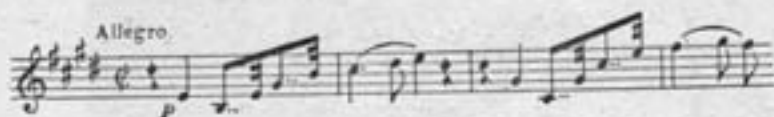
قسمت تریو در فاماژور بوده و بخلاف اسکر تزو حرکت آرام تری دارد و قبل از شروع آن تیپانی چهار میزان اجرا میکند :



پس از اتمام تریو قسمت اسکرتزو مجدداً تکرار میگردد.

### موومان چهارم:

موومان چهارم ( فیناله ) با موضوع اول که مانند يك مارش میباشد آغاز میگردد:



این قسمت دو باره تکرار میگردد و آنگاه موضوع دوم که حالت آواز های مذهبی را دارد نواخته میشود:



در پایان قسمت اعلام تم ها موضوع اول بشکل يك صدائی بغرش درمیآید و در انتهای آن باد و ضربه، سکوتی پراپت ایجاد میشود. این طرح بار دیگر نیم برده بالاتر تکرار میگردد.

قسمت گسترش نسبتاً کوتاه است. آرپژ تم اصلی ابتدا بطور معکوس توسط باس ها اجرا میشود. آنگاه ویولن ها آنرا بطور صعودی اجرا میکنند و این قسمت بطور وسیعی بسط مییابد و بالاخره تم اصلی بشکل آرام و معکوس در ویولون ها ظاهر میشود. يك پاساژ لکاتو از آرمونی های فلوت و ابوا و جواب آنها توسط توبا مارا به قسمت اعلام مجدد تم ها ( رکایتولاسیون ) میرساند. در این جا تم اصلی بطور معکوس توسط ویولون ها اجرا و آنگاه بطور یکصدائی تکرار میگردد. بعد از يك سکوت دراماتیک در پایان این تك آوای قوی، تم زوم بطور یکصدائی تکرار میگردد، در حالیکه ساز های پادی نیز آنرا همراهی میکنند. بسط این تم کوتاه تر از قسمت نظیر آن در اکسپوزیسیون بوده و در انتهای آن باز ریتم نقطه دار مارش نمایان میگردد.

در قسمت مؤخره ( کودا ) تنها تم اصلی با حالت مارش مانند خود با قدرت بسط مییابد اما صدای قوی آن چند بار توسط ایده های آرام تری قطع میشود.

ترجمه و اقتباس دکتر فرخ شادان